

دانش و پژوهش در علوم تربیتی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)
شماره چهاردهم - تابستان ۱۳۸۶
صص ۴۲ - ۲۳

تأثیر آموزش روشهای تربیتی بر اساس دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان

فرزانه نیک‌نژادی^۱ - سیدهاشم گلستانی^۲ - سیداحمد احمدی^۳

چکیده

در این تحقیق به بررسی شیوه‌های تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی و اثر آن بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان پرداخته شده است. روش تحقیق تجربی بوده و در آن از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه آزمایش و گواه استفاده شده است. جامعه آماری مادران دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی شهرستان اصفهان بودند. نمونه آماری ۳۰ نفر از مادران برای گروه آزمایش و ۳۰ نفر برای گروه گواه بودند که به صورت تصادفی مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه محقق ساخته بود که پایایی آن براساس بازآزمایی ۰/۸۴ و براساس آلفای کرونباخ ۰/۸۵ محاسبه

-
- ۱- دانشجوی دوره دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر.
 - ۲- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان.
 - ۳- عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان.

گردید. نتایج به دست آمده نشان داد که شیوه‌های تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان مؤثر بوده است ($P \leq 0/01$).
کلید واژه‌ها: آموزش خانواده، روش تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی، نگرش خانواده.

مقدمه

خواجه نصیرالدین طوسی از جمله اندیشمندانی است که به موضوع تربیت پرداخته است. او در آثار تربیتی خود، فصلی را به تدبیر منزل اختصاص داده است و در آن مسائل مربوط به نظام خانواده و روابط آن را مورد بحث قرار داده است. منظور از تدبیر منزل، ایجاد نظام انضباطی مؤثری است که موجبات آسایش جسمی، اجتماعی و ذهنی افراد خانواده را فراهم آورد. منزل در نظر خواجه نصیرالدین طوسی کانون خانوادگی است که در آن امور مالی، ارتباط همسران و تربیت فرزندان بر محور آسایش عمومی همه افراد خانواده دور می‌زند (شریف، ۱۳۶۲).

یکی از اجزای تدبیر منزل امور مالی است. خواجه نصیرالدین طوسی در مورد راههای به دست آوردن مال و رزق توصیه می‌کند که باید مال از طریق مشروع و آبرومندی به دست آید و از اشتغال به کارهای پست پرهیز شود و مال و ثروت از راه ستم و زورگویی و حيله و تزوير و احتكار و پايمال کردن حقوق دیگران فراهم نگردد. خواجه نصیر ذخیره نهادن مال را عملی دوراندیشانه می‌داند، مشروط بر اینکه این عمل از روی حرص یا بخل نباشد و موجب مشقت اعضای خانواده یا به مخاطره افتادن دیانت فرد نشود.

از اجزای دیگر تدبیر اهل است. به نظر خواجه، غرض از ازدواج باید حفظ مال و بقای نسل باشد نه شهوت یا غرض دیگر. او در کتاب اخلاق ناصری می‌گوید: زن صالح، شریک مرد بود در مال و قسیم^۱ او در اداره خانه و تدبیر منزل و نایب او در وقت غیبت و بهترین زنان، زنی بود که به عقل و دیانت و عفت و فطنت^۲ و حیا و

۱- شریک، سهیم.

۲- تیزهوشی، دانایی.

رقت دل و تودد و کوتاه‌زبانی و طاعت شوهر متحلی بود و باید بر ترتیب منزل و تقدیر نگاه داشتن در انفاق واقف و قادر باشد (طوسی، ۱۳۷۳).

از نظر خواجه، مرد نیز باید دارای هیبت، کرامت و شغل خاطر باشد. وجود این اوصاف برای این است که اولاً در چشم زن مهم و با ارزش تلقی شود، ثانیاً با کرامت خود، زن و بستگان او را مورد احترام و محبت قرار دهد و در محافظت زیبایی‌ها و دلربایی زن از بیگانگان کوشا باشد و او را در اداره منزل آزاد گذارد (گلستانی، ۱۳۶۸).

پیوند یک زوج، زن و شوهر به منظور زندگی مداوم با یکدیگر زمینه تشکیل خانواده است. تشکیل خانواده براساس پیمانی است که زن و شوهر با یکدیگر می‌بندند تا محیطی مناسب برای زندگی با یکدیگر و زمینه‌ای مطلوب برای تولد و رشد فرزندانشان فراهم نمایند.

هر یک از اعضای خانواده، تحت تأثیر کیفیت و ماهیت روابط پدر و مادر قرار می‌گیرند. کیفیت و منزلت روابط همسران نظام خانواده را تحت سلطه خود قرار می‌دهد و اگر ازدواج یک زن و مرد موفقیت‌آمیز باشد، امکان تحقق بخشیدن به ابعاد گوناگون شخصیت فرزندان فراهم می‌آید. از طرف دیگر، وقتی ازدواجی با عدم موفقیت مواجه می‌شود، اعضای خانواده فشار روانی فزاینده‌ای را تجربه می‌کنند و برای مقابله با شرایط بیماری‌زای خانواده از شیوه‌های ناسالم رفتار، شناختی و هیجانی، استفاده می‌کنند (ساعتچی، ۱۳۸۲).

از اجزای دیگر تدبیر منزل، تدبیر فرزندان است، در اولین سال‌های زندگی تجارب کودک از جهان خارج تقریباً به‌طور کامل از طریق خانواده صورت می‌پذیرد. در خانواده است که کودک ابتدا درباره دنیای بیرونی، روابط با دیگران و زندگی اجتماعی نکاتی را می‌آموزد.

خواجه نصیرالدین طوسی می‌گوید: سخن گفتن درباره تربیت کودکان نه از آن جهت است که نیاز آنان به تربیت بیشتر از بزرگسالان است، بلکه از آن جهت است که کودکان برای تربیت آماده‌ترند.

او در مورد تربیت فرزندان می‌گوید: «باید نامی نیکو بر فرزند نهاد و پیش از آنکه اخلاق تباه فرا گیرد، تربیت اخلاقی او را آغاز کرد و در این کار باید از طبیعت وی پیروی نمود... در تهذیب اخلاق او اقتدا به طبیعت باید کرد. یعنی هر قوت که

حدوث او در بنیت^۱ کودک بیشتر بود، تکمیل آن قوت مقدم باید داشت» (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۲۲).

باید او را از همنشینان بد، دور داشت و به ارزش کرامت آگاه کرد. «خاصه کراماتی که به عقل و تمیز و دیانت، استحقاق آن کسب کنند، نه آنچه به مال و نسب تعلق دارد» (همان، ص ۲۲۳-۲۲۲).

پس باید وظایف و سنن دین به او آموخت و او را به انجام آنها واداشت. نزد او باید از نیکان به نیکي یاد کرد و از بدان به بدی. باید او را به کار نیکي که کرده بستاید و اگر کار بدی کرده، توبیخ صریح ننمایند، بلکه چنین وانمود کنند که او از بدی آن آگاه نبوده است، تا جسور نشود و اگر تکرار کرد، پنهانی سرزنش و نکوهش کنند.

خواجه نصیرالدین طوسی معتقد است، دختران باید طوری تحت تعلیم قرار گیرند تا در چهارچوب منزل، همسران و مادرانی شایسته گردند. او تأکید بسیار بر رعایت حقوق والدین طبق احکام اسلام دارد.

همچنین در مسائل تربیتی به بیان آداب گوناگون مانند آداب سخن گفتن، حرکت و سکون طعام خوردن و نحوه ارتباط می‌پردازد (نقیب‌زاده، ۱۳۶۸).

کانتر^۲ (۲۰۰۰) بیان می‌کند: میزان تأثیر والدین بر روی نگرش‌های فرزندان و رفتار آنها بسیار چشمگیر است. آنها نقش اساسی در شکل‌گیری اعتقادات بازی می‌کنند و نگرش‌ها و اعتقادات خود را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به کودکان انتقال می‌دهند و کودکان این تأثیر را از روی مشاهده اعمال و رفتار والدین می‌پذیرند.

با توجه به اینکه والدین نقش مهمی در فراهم‌سازی تجربیات زندگی برای فرزندان دارند، نگرش‌های آنها باید صحیح باشد تا بتوانند بر رشد شخصیت فردی کودک و احترام به نقش آنها کمک کنند.

از نظر آدکینز^۳ (۲۰۰۳) کودک نخستین تجارب حمایت اجتماعی خود را در کانون خانواده کسب می‌کند. نحوه برخورد، پذیرش، دوست داشتن و رفتار مساعد با کودکان او را برای احیای نقش‌های اجتماعی و برطرف ساختن نیازهایش یاری می‌دهد.

۱- ساختمان، بنیه

2 – Canter

3 – Adkins

ارتباط پیوند افراد خانواده در سلامت روانی کودک تأثیر بسزایی دارد، به گونه‌ای که الگوهای رفتاری وی را در بزرگسالی بنیان نهاده و موجبات امنیت خاطر و عزت نفس را در وی فراهم می‌آورد. والدین یکی از مهمترین منابع شکل‌گیری خودپنداره و احساس ارزش نسبت به خود در کودکان و نوجوانان هستند و به این وسیله کودک، ادراکات، نگرش‌ها و واکنش‌های دیگران را جزئی از ارزش‌های درونی خود می‌کند. شواهد نشان می‌دهد که تأثیر ارتباط میان والد - کودک، در کودکی و نوجوانی و حتی تا بزرگسالی نیز ادامه پیدا می‌کند. نتایج تحقیقات مور^۱ و همکاران (۲۰۰۴) نشان داده است:

- ۱- کیفیت بهتر روابط میان فرزند - والدین موجب کاهش یا پایین آمدن فشارهای فیزیکی هم در بین فرزندان بزرگ خانواده و هم والدین می‌شود.
- ۲- روابط صمیمی با والدین در دوران کودکی و نوجوانی، در هنگام بزرگسالی برای آنها اعتماد به نفس، شادی و رضایت از زندگی را به همراه خواهد داشت.
- ۳- سلامت فیزیکی و روحی و روانی مثبت در بزرگسالی، بی‌تردید ریشه در حمایت‌های پدر و مادر در اوایل کودکی دارد.

دهرتی^۲ (۲۰۰۶) بیان می‌کند: تحقیقات اخیر نشان داده است که کنش متقابل والدین و فرزندان دوجانبه است. به عبارت دیگر نه تنها تعلیم و تربیت نادرست موجب افزایش رفتارهای نابهنجار فرزندان می‌شود، بلکه گستاخی و لجبازی کودکان نیز موجب بروز خشونت والدین و دیگر رفتارهای منفی می‌شود و این عامل در کاهش تعلیم و تربیت صحیح مؤثر است. بنابراین برای استحکام رابطه صمیمی بین والدین و فرزندان و به منظور جلوگیری از رفتارهای ضداجتماعی لازم است برنامه‌هایی در این زمینه اجرا شود.

یکی از اقدامات آموزش والدین مبتنی بر نیازهای اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی اجرای برنامه‌هایی به منظور تحکیم نظام خانواده است. آموزش شیوه‌های تربیتی به والدین، از اقداماتی است که نگرش والدین را نسبت به تربیت فرزندان تغییر می‌دهد. مسائل و مشکلاتی که خانواده‌ها و فرزندان با آن روبه‌رو هستند را کاهش می‌دهد و از پدید آمدن مسائل جدید پیشگیری می‌کند. همچنین این اقدام باعث می‌شود، والدین

1 - Moore

2 - Doherty

محیط مناسب‌تری برای رشد و شکوفایی استعدادهای بالقوه فرزندان خود فراهم کنند که پیشرفت افراد خانواده و جامعه را به دنبال خواهد داشت. در این تحقیق، شیوه‌های تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی و اثر آن بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش تحقیق

روش تحقیق تجربی است و از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه آزمایش و گواه استفاده شده است.

متغیر مستقل آموزش شیوه‌های تربیتی است که براساس آرای تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی در ۸ جلسه تنظیم شده است. جلسات شامل این مباحث است: جلسه اول: ماهیت تربیت و نقش آن در رشد فرزندان. جلسه دوم: مدیریت خانواده. جلسه سوم: اصول و مبانی تربیت. جلسه چهارم: مهارت برقراری ارتباط با دیگران. جلسه پنجم: آداب رفتار و سخن گفتن. جلسه ششم: آداب تغذیه. جلسه هفتم: مدیریت اقتصادی خانواده. جلسه هشتم: حقوق والدین.

هر جلسه شامل اهداف، اجرا و تکلیف بود. در هر جلسه ابتدا هدف از آن جلسه ذکر می‌شد. سپس محتوای مطالب ارائه می‌گردید و در پایان تکلیف برای جلسه بعد داده می‌شد. در هر جلسه بازخورد از جلسه قبل از مادران خواسته می‌شد و آنان پاسخ لازم را می‌دادند. در پایان مقاله یک نمونه از جلسات آموزشی ارائه شده است.

جامعه آماری مادران دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی در شهرستان اصفهان در سال تحصیلی ۸۶ - ۸۵ بودند. نمونه آماری ۳۰ نفر از مادران برای گروه آزمایش و ۳۰ نفر برای گروه گواه بودند که به صورت تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند.

۱- انتخاب تصادفی ناحیه ۳ آموزش و پرورش از بین ۵ ناحیه آموزش و پرورش شهرستان اصفهان

۲- انتخاب تصادفی دبستان ابوذر ۲ در ناحیه ۳ آموزش و پرورش

۳- انتخاب تصادفی ۶۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و دعوت از مادران آنها

۴- تقسیم ۶۰ نفر از مادران به دو گروه، ۳۰ نفر برای گروه آزمایش، ۳۰ نفر برای گروه گواه بعد از پیش‌آزمون

ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه شامل ۵۷ سؤال بسته‌پاسخ بود و بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت^۱ تنظیم شد.

روایی^۲ پرسشنامه: بعد از طرح سؤال‌های پرسشنامه به منظور تعیین روایی محتوایی، سؤال‌ها در اختیار متخصصان قرار گرفت و بعد از ارزیابی، روایی محتوایی را مورد تأیید قرار دادند. به‌منظور تعیین پایایی پرسشنامه از دو روش استفاده شد:

۱- روش بازآزمایی: پایایی به‌دست آمده از این روش ۰/۸۴ بود.

۲- روش آلفای کرونباخ: آلفای به‌دست آمده ۰/۸۵ بود.

روش اجرا

با هماهنگی مسؤلان دبستان ۶۰ نفر از مادران که دعوت شده بودند در جلسه پیش‌آزمون حضور یافتند و پس از آشنایی و معارفه، پرسشنامه‌ها بین مادران توزیع و پس از تکمیل جمع‌آوری گردید. سپس ۶۰ نفر به صورت تصادفی به دو گروه، ۳۰ نفر برای گروه آزمایش و ۳۰ نفر برای گروه گواه انتخاب شدند.

تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام گرفته است. در سطح توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و در سطح استنباطی از روش تحلیل کواریانس استفاده شد.

جدول ۱- مقایسه میانگین و انحراف معیار پیش‌آزمون و پس‌آزمون نگرش مادران نسبت به تربیت فرزندان در دو گروه آزمایش و گواه

انحراف معیار	میانگین	نگرش مادران	
		گروه	
۱۵/۳۷	۲۱۷/۶۶	گواه	پیش‌آزمون
۱۲/۲۱	۲۱۴	آزمایش	
۱۰/۵۰	۲۱۹/۰۳	گواه	پس‌آزمون
۱۳/۸۱	۲۳۱/۹۶	آزمایش	

1 – Likert

2 – Validity

براساس یافته‌های جدول ۱ میانگین پیش‌آزمون نگرش مادران گروه گواه ۲۱۷/۶۶ و گروه آزمایش ۲۱۴ بوده است. میانگین پس‌آزمون نگرش مادران در گروه گواه ۲۱۹/۳ و در گروه آزمایش ۲۳۱/۹۶ بوده است.

جدول ۲- آزمون همگنی واریانس‌ها در متغیر نگرش مادران نسبت به تربیت فرزندان در دو گروه آزمایش و گواه

متغیر	مقدار F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
نگرش آزمودنی‌ها نسبت به تربیت فرزندان	۰/۸۶۷	۱	۵۸	۰/۳۵۶

براساس یافته‌های جدول ۲، F مشاهده شده در سطح $P \geq ۰/۰۵$ بوده است. بنابراین پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها پذیرفته می‌شود.

جدول ۳- تحلیل کواریانس نمرات پس‌آزمون نگرش مادران نسبت به تربیت فرزندان پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون

منبع تغییرات	F	سطح معناداری	Eta	Power
گروه	۱۷/۴۲	۰/۰۰۱	۰/۲۳۴	۰/۹۸۴

براساس یافته‌های جدول ۳، F مشاهده شده در سطح $P < ۰/۰۱$ معنادار بوده است و تفاوت مشاهده شده بین میانگین نمرات پس‌آزمون دو گروه پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون معنادار بوده است. بنابراین آموزش شیوه‌های تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی بر نگرش مادران تأثیر داشته و آن را تغییر داده است براساس ضریب اتا میزان تغییر ۰/۲۳ بوده است. توان آزمون ۰/۹۸ و نشان‌دهنده میزان بالای آزمون در تشخیص است.

جدول ۴- میانگین پس آزمون نگرش مادران نسبت به تربیت فرزندان پس از تعدیل نمرات پیش آزمون

Se	میانگین	نگرش مادران	گروه
۲/۲۴	۲۱۸/۸۶		گواه
۲/۲۴	۲۳۲/۱۳		آزمایش

براساس یافته‌های جدول ۴ میانگین نمرات پس آزمون نگرش آزمودنی‌ها نسبت به تربیت فرزندان در گروه گواه ۲۱۸/۸۶ و در گروه آزمایش ۲۳۲/۱۳ بوده است.

جدول ۵- تحلیل کواریانس مقایسه نمرات پس آزمون تغییر نگرش آزمودنی‌ها نسبت به تربیت فرزندان با توجه به میزان تحصیلات و سن آزمودنی‌ها

Power	Eta	P	F	منبع تغییرات
۰/۲۴۲	۰/۰۶۹	۰/۴۲۲	۰/۹۵۸	تعامل گروه و سن
۰/۱۵۶	۰/۰۴۹	۰/۷۳۶	۰/۵۰	تعامل گروه و تحصیلات
۰/۱۰	۰/۰۱۷	۰/۷۱۸	۰/۳۳۴	تعامل گروه، سن و تحصیلات

براساس یافته‌های جدول ۵، F مشاهده شده در سطح $P > ۰/۰۵$ بوده است. بنابراین تأثیر آموزش در آزمودنی‌ها از نظر سن و تحصیلات آنان تفاوت نداشته است.

بحث و نتیجه گیری

نگرش‌ها و رفتار والدین ممکن است تسهیل کننده و یا مانع جریان رشد و تکامل کودک باشد.

مطالعات بی‌شماری (آندرسون و هاگز^۱ ۱۹۵۷، بامریند^۲ ۱۹۷۱، هولدن و ادوارد^۳ ۱۹۸۹، مک‌گیل - کودی - دلپسی^۴ ۱۹۸۲ و میلر^۵ ۱۹۹۱) آشکار ساخت که نگرش‌های والدین بر رفتار فرزندان مؤثر است (نقل از کانتر، ۲۰۰۰).

در این پژوهش دیدگاه‌های تربیتی خواجه نصیرالدین در ۸ جلسه آموزشی با عنوان ماهیت تربیت و نقش آن در رشد فرزندان، مدیریت خانواده، اصول و مبانی تربیت، مهارت برقراری ارتباط با دیگران، آداب رفتار و سخن گفتن، آداب تغذیه، مدیریت اقتصادی خانواده و حقوق والدین به مادران آموزش داده شد و تأثیر این آموزش بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان بررسی گردید.

براساس یافته‌های این تحقیق میانگین گروه آزمایش در پس‌آزمون ۲۳۱/۹۶ و بالاتر از میانگین گروه گواه بوده است. بنابراین نگرش مادران در نتیجه آموزش تغییر کرده است و شیوه‌های تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان مؤثر بوده است.

ریان^۶ (به نقل از سیمونسون و ماشاک^۷ ۱۹۹۴) بیان می‌کند که وقتی فراگیر در کلاس‌های آموزشی اطلاعات جدیدی یاد بگیرد که بتواند برای رفع نیازهایش به کار برد، مطلوب‌تر است. اعتبار برنامه‌ها زمانی که عرضه کننده پیام قابل قبول و معتبر باشد، بالا می‌رود. همچنین در صورتی که فراگیران در موضوعی که به آنها آموخته می‌شود، فعال باشند، نسبت به فراگیران غیرفعال به صورت مثبت‌تری پاسخ می‌دهند.

نتایج تحقیق در ارتباط با تأثیر کلاس‌های آموزشی با گفته‌های دهرتی (۲۰۰۶) مبنی بر اینکه ارزیابی چندین برنامه آموزشی بیانگر آن است که در بهبود رابطه والدین و فرزندان مؤثر بوده است، همسو است. همچنین والدینی که در برنامه‌های آموزشی شرکت کرده‌اند، نسبت به مادران سایر کودکان در ارتباط با رشد اجتماعی، زبان و

1 – Anderson & Hughes

2 – Baumrind

3 – Holden & Edward

4 – McGill, Cuddy-Delisi

5 – Miller

6 – Ryan

7 – Simonson & Maushak

قدرت حل مشکل در سطح بالاتری قرار داشتند. تحقیقات مختلف نشان داده است که تعلیم والدین در کاهش خشونت و رفتارهای ضداجتماعی کودکان بسیار مؤثر است. والدین شرکت کننده در این برنامه به تربیت فرزندان خود بیشتر اهمیت می‌دهند.

دمبو^۱ و همکاران دریافتند، نتایج برنامه آموزش والدین نشان می‌دهد، تغییرات مخصوص و خاص در طرز برخورد والدین با رفتار کودک بر اثر روشهای مختلف آموزش والدین آشکار می‌شود. این تغییرات همیشه ثابت و یکنواخت نیست و غالباً به نوع ارزیابی در روش آموزشی مورد استفاده بستگی دارد.

بر اساس نظر رایلی^۲ (به نقل از پاترسون^۳ و همکاران ۱۹۸۹)، مارتینز و ادی^۴ (به نقل از سرکتیچ و دوماس^۵ ۱۹۹۶) مک‌ماهن^۶ و همکاران (۱۹۸۱)، کومپفر و تیت^۷ (۲۰۰۰) کلاس‌های آموزشی برای خانواده‌ها مؤثر بوده است.

قابل توجه است تامیسون^۸ ۱۹۹۸، (به نقل از دروتار^۹ ۱۹۹۲، چاپلمن^{۱۰} و اسکور^{۱۱} ۱۹۸۰) بیان می‌کند، رویکردهای مربوط به آموزش والدین به‌طور عمده فردی و شخصی است و مشکلات خانوادگی بر نتایج کلاس‌ها تأثیر می‌گذارد. شواهد نشان می‌دهد که اگر آموزش به اجبار صورت گیرد، مشکلاتی برای خانواده‌ها به‌وجود می‌آید. مشکلات مالی و فقر نیز باعث می‌شود امکان موفقیت در این برنامه‌ها از بین برود. همچنین آموزش والدین برای والدینی که از لحاظ اجتماعی، دچار محرومیت‌های جدی بودند، کاملاً بی‌معنی است. نتایج این تحقیقات قابل تأمل است و در این ارتباط باید مطالعات بیشتری انجام گیرد.

نتایج پژوهش‌های کلاتری و مولوی (۱۳۷۴)، بوربور (۱۳۷۵)، بختیاری (۱۳۷۵)، ثمری و یزدی (۱۳۸۵)، ضیائی و دادفر (۱۳۸۵) تأثیر مثبت کلاس‌های آموزشی را تأیید می‌کند.

نتایج به‌دست آمده در تغییر نگرش مادران نسبت به تربیت فرزندان با توجه به میزان تحصیلات و سن نشان می‌دهد، F مشاهده شده در سطح $P > 0.05$ بوده است. بنابراین تأثیر آموزش در آزمودنی‌ها با توجه به سن و تحصیلات آنان یکسان است.

1 – Dembo	2 – Riley	3 – Patterson
4 – Martinez & Eddy	5 – Serketich & Dumas	6 – MCMahon
7 – Kumpfer & Tait	8 – Tomison	9 – Drotar
10 – Chilman	11 – Schorr	

اکتان^۱ (۱۹۹۵) نیز در مطالعات خود دریافت که برنامه‌های آموزش مهارت‌های رفتاری مؤثرتر از تحصیلات والدین تشخیص داده می‌شود. چون آنها یک سری از دانش‌ها و مهارت‌های سازمان‌یافته از مسائل تربیتی والدین است که در گروه یا تکالیف منزل ایفای نقش شده یا تمرین شده‌اند که منجر به افزایش موفقیت در اجرای چنین مهارت‌هایی شده‌اند.

وبستر - استراتون^۲ (۱۹۹۰) بیان می‌کنند، اقدامات مداخله‌گرانه، تأثیر طولانی‌مدت دارد و جنسیت کودک، نژاد والدین، تحصیلات یا طبقه اجتماعی والدین تأثیر متفاوتی ندارد.

کانتر (۲۰۰۰) (به نقل از نیتزبرگ^۳ (۱۹۷۹) می‌گوید: روش‌های تربیتی به اعتقادات والدین در خصوص تربیت کودک مربوط می‌شود، بعضی از این اختلاف‌ها، در روش تربیتی به سطح تحصیلات، وضع تأهل و قومیت ارتباط دارد.

همچنین کانتر (۲۰۰۰) (به نقل از پاول^۴ ۱۹۸۹ و آنکور و توماسون^۵ ۱۹۷۷) می‌گوید: ثابت شده است که تحصیلات والدین در تغییر نگرش‌های آن در تربیت کودک مؤثر است.

نتایج تحقیق فرامرز سهرابی و اعظم حسنی (۱۳۸۵) نشان داد که شیوه فرزندپروری استبدادی والدین، از هم‌گسیختگی خانوادگی و مصرف مواد یا دخانیات در اعضای خانواده بر بروز رفتارهای ضداجتماعی دختران نوجوان تأثیر دارد، ولی سن والدین و تعداد فرزندان تأثیر بر رفتارهای ضداجتماعی دختران نوجوان ندارد.

نتایج به دست آمده از سؤال‌های بازپاسخ نشان داد که ۹۶/۶ درصد از آزمودنی‌ها اظهار داشتند، جلسات آموزشی مفید بوده است. آنها بزرگترین دستاورد کلاس را آگاه شدن از نحوه تربیت فرزندان و آگاهی از نحوه چگونه زندگی کردن دانسته‌اند.

آموزش والدین براساس آرای تربیتی خواجه‌نصیرالدین طوسی به منظور تحکیم نظام خانواده‌ها است. مادرانی که در برنامه‌های آموزشی شرکت می‌کنند می‌توانند به پیشرفت مطلوب در تعاملات خانوادگی و مهارت‌هایی که لازم دارند، نایل آیند. نقش مدیریت صحیح در خانواده مشخص می‌شود و آگاه می‌شوند، هر چند اعضای خانواده،

1 – Aktan
4 – Powell

2 – Webster – Stratton
5 – Anchor & Thomason

3 – Nitzberg

تمایلات گوناگون دارند، اما ضرورت دارد وحدت و هماهنگی بین افراد خانواده به وجود آید و شرایطی حاکم باشد تا هر کس به کمالی که لیاقت دارد برسد.

آگاه شدن مادران از اصول و روشهای تربیتی از اقداماتی است که نگرش والدین را نسبت به تربیت فرزندان تغییر می‌دهد. مسائل و مشکلاتی که خانواده‌ها و فرزندان با آن روبه‌رو هستند را کاهش می‌دهد و از پدید آمدن مسائل جدید پیشگیری می‌کند. آنان به آموزش دینی و اخلاقی اهمیت می‌دهند و براساس اصول تربیتی خواجه‌نصیرالدین طوسی به کرامت و شرافت انسان، قابلیت کمال در انسان، توجه به مراحل رشد، تفاوت‌های فردی و هدفمند بودن توجه دارد و این اصول راهنمایی برای تربیت فرزندان است. همچنین براساس روشهای تربیتی، وی به نقش الگو، نقش همسالان و همنشینان کودک، تکرار و تذکر، بازی در رشد کودکان و تشویق و تنبیه در تربیت، پی می‌برند و با استفاده از روشهای صحیح به تربیت فرزندان می‌پردازند. آنان محیط مناسب‌تری برای رشد و شکوفایی استعدادهای بالقوه فرزندان خود فراهم می‌کنند که پیشرفت افراد خانواده و جامعه را به دنبال خواهد داشت.

به‌طور کلی تأمین بهداشت روانی در خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرا جامعه سالم از خانواده سالم و خانواده سالم از افراد سالم تشکیل یافته است. آموخته‌های فرزندان از والدین به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر سلامت و بهداشت روان آنان تأثیر دارد. دوام و استحکام خانواده نیاز به تلاش و همفکری اندیشمندان مسئول دارد. دانشمندان مسلمان به ارزش خانواده و نقش تربیت فرزندان توجه داشته‌اند.

دیدگاههای ارزشمندی که خواجه‌نصیرالدین طوسی در این ارتباط ذکر کرده است می‌تواند به عنوان راهنمایی برای آموزش و تنظیم جلسات آموزشی استفاده شود. و در روشنگری هدفهای تربیت به عنوان پرتویی، مثمر ثمر باشد.

پیشنهادات کاربردی

- ۱- کلاس‌های آموزش خانواده و آشنا شدن آنان با اصول و روشهای تربیتی مریمان بزرگ اسلامی به‌طور مستمر برگزار گردد.
- ۲- پدر و مادر باید هر دو در زمینه مسائل تربیتی اطلاعات لازم را دریافت کنند و درباره اصول و روشهای تربیتی به توافق برسند تا به‌صورت هماهنگ عمل کنند. از این‌رو پیشنهاد می‌شود، کلاس‌های آموزشی ویژه پدران نیز دایر گردد.

۳- در صورتی که والدین خود دارای مشکلات مهم عاطفی، روانی و یا شخصیتی باشند، قبل از اقدام در زمینه اصلاح رفتار کودک لازم است در صدد حل مشکلات خود باشند و چنانچه دارای کودکان پرخاشگر و یا دچار مشکلات رفتاری باشند، برای اینکه آموزش والدین را به طور مؤثر دریافت کنند به خدمات اضافه‌تری نیاز دارند.

۴- مشکلات اقتصادی می‌تواند محیطی پراسترس و گاهی خصومت‌آمیز در خانواده ایجاد کند و این امر می‌تواند در تأثیر کلاسهای آموزشی و تربیت فرزندان مؤثر باشد. در این صورت خانواده‌ها باید تحت حمایت اجتماعی، اقتصادی قرار گیرند.

۵- استفاده از فیلم‌های ویدئویی از خانواده‌هایی که مهارت‌های تربیتی خوب و ضعیف را نشان می‌دهند به اثرگذاری بیشتر برنامه‌های آموزشی کمک می‌کند. برنامه‌های ویدئویی اهمیت تأثیر برنامه‌های درازمدت را نشان می‌دهد.

۶- از دیدگاه‌های تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی به عنوان راهنمایی برای مسائل تربیتی استفاده شود و در توسعه آن از مطالب کارشناسان دیگر استفاده گردد.

۷- از نظر زمان، مکان و محیط آموزشی، برنامه‌ها به گونه‌ای تنظیم گردد که امکان شرکت والدین در جلسات وجود داشته باشد و فضایی مناسب و آرام بدون ایجاد مزاحمت دیگران همراه جوی توأم با امنیت و اعتماد فراهم شود.

جلسه دوم

عنوان: مدیریت خانواده

اهداف

- اهمیت تشکیل خانواده
- نقش خانواده در تربیت فرزندان
- چگونگی نقش همسران و نحوه ارتباط آنها در خانواده

اجرا

- قبل از توضیح در مورد اهداف این جلسه تکلیف جلسه قبل بررسی می‌شود. سپس
- سؤالات زیر مطرح می‌شود:
- خانواده را تعریف کنید؟
 - اهمیت تشکیل خانواده را بیان نمایید؟

بعد از شنیدن پاسخهای مادران توضیح داده می‌شود که برای بقای نسل نیاز به انتخاب همسر است و حکمت الهی چنان اقتضا می‌کند که هر مردی همسری را انتخاب کند تا هم به اداره منزل و بقیه امور لازم بپردازد و هم حفظ بقا انجام گیرد. در پذیرفتن و به عهده گرفتن زندگی با دیگری دو شرط مهم تحقق می‌پذیرد: یک مورد کاهش رنج‌ها و زحماتی که برای اداره زندگی وجود دارد و دیگری ادامه نسل.

سپس از مادران سؤال می‌شود که نقش خانواده در تربیت فرزندان چیست؟ بعد از بحث و گفت‌وگو در این زمینه برای آنها بیان می‌شود که زمانی که فرزند متولد می‌شود بدون تربیت و بدون پرورش پدر و مادر بقا نمی‌یابد و به رشد نمی‌رسد. اداره امور فرزندان واجب است. از آنجا که هر نظامی از اجزای متعدد شکل گرفته، اما در نهایت هماهنگی بین آن اجزا وجود دارد که این هماهنگی نوعی وحدت و یگانگی را به وجود می‌آورد و در خانواده نیز هر چند اعضای با تمایلات گوناگون آنها مشاهده می‌شود، اما ضرورت دارد که وحدت و هماهنگی در بین آنها به وجود آید و بنابراین زمانی که نظام خانواده شکل می‌گیرد، باید شرایطی در آن حاکم باشد که باعث وحدت و یگانگی شود.

نظام خانواده به مدیریتی نیاز دارد که چنین هماهنگی را به وجود آورد. از بین این جمع صاحب منزل (مرد) برای این مهم مقدم‌تر است به همین علت مدیریت منزل به او واگذار می‌شود تا اداره منزل را به صورتی که مقتضی نظام خانواده است به انجام رساند. مدیر منزل باید توجه به امور اقتصادی منزل مانند ترتیب امور معاش و... را داشته باشد. همچنین حفظ و اداره منزل به ترغیب، ترساندن، وعده، تهدید کردن، مانع شدن، تکلیف، دوستی، سختگیری، لطف و نرمی و... انجام گیرد تا هر یک به کمالی که لیاقت آن را دارند برسند و همه افراد منزل بتوانند در یک نظام پدید آمده‌ای که زندگی را آسان کند شرکت نمایند.^۱

بنابراین هنر اداره منزل برای اهل خانواده باعث آسان گردانیدن اسباب معاش و رسیدن به کمالی است که مطلوب باشد. چون عموم اشخاص چه فاضل، چه مفضول، ملک و رعیت و... به مدیریت احتیاج دارند. هر کسی در مرتبه خود، زمانی که امور

۱- مراد از منزل خانه‌ای نیست که از خشت و گل و سنگ و چوب باشد، بلکه ترکیبی مخصوص است که بین زن و شوهر و فرزندان و مال... به وجود می‌آید حال مسکن از هر چه می‌خواهد باشد.

جمعی را به عهده می‌گیرد. مکلف و از این علم نفع می‌برد و فواید آن هم در دین و هم در دنیا شامل حال او می‌شود. همان‌طور که صاحب شریعت فرموده است: «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت»^۱

اصل کلی در مدیریت خانواده مانند نظر طبیب در حال بدن انسان است. از این جهت که اعضای بدن انسان باید هماهنگ و متعادل باشند. اگر اعتدال باشد بدن سالم است و می‌تواند افعال مختلفی انجام دهد و گرنه باید طلب کمک شود. اگر عضوی از اعضای خانواده دچار اشکالی شود، به‌گونه‌ای آن را رفع کند که مصلحت همه افراد خانواده تأمین شده باشد به ویژه مصلحت رئیس خانواده مقدم بر سایر اعضای است و باید مصلحت دیگران را هم در نظر گیرد تا آسیب نبینند.

مدیر منزل باید رعایت و صلاح همه اهل خانواده را در نظر بگیرد و سعی کند اعتدال بین این ترکیب را حفظ کند و بر محافظت آن آماده باشد. در تصمیم‌گیری ابتدا باید مصلحت عموم اهل منزل را در نظر گیرد که تعادل و موازنه بین اعضای از بین نرود و اعتدال و هماهنگی به خانه و خانواده باز گردد.

او باید در تدبیر مانند طبیعی که توجه به همه اعضا دارد حال تک‌تک اشخاص را در نظر بگیرد. زیرا هر یک از اعضای خانواده به نسبت خانواده مانند هر یک از عضو افراد باشند، نسبت به ساختمان بدن عده‌ای رئیس، عده‌ای مرئوس، بعضی دارای مرتبه و مقام و بعضی شریف. هر چند هر عضوی را ویژگی خاصی دارد ولی زمانی که همه اعضا مشارکت و همکاری داشته باشند نتیجه حاصل می‌شود.

هر شخصی از اشخاص خانواده طبیعتی و خصوصیت خاص خود را دارد و فعالیت‌های او متوجه هدف و مقصدی است که رسیدن به اهداف شخصی حاصل فعالیت‌های جمع خانواده است و مدیر منزل که به منزله طبیب است از جهتی و به منزله یک عضو که شریف‌تر است به اعتباری باید که اطلاع از طبیعت و خصوصیات و افعال هر شخصی از اشخاص داشته باشد. هر چند هر عضوی اعتدال خاص خود را دارد اما فعل و عمل کلی اعضا به مشارکت و همکاری همه افراد و همه اعمال آنها بستگی دارد که اعتدال حاصل از همکاری اعضا از بین نرود و کمال مطلوب که همان

۱- همه شما نگهبانید و همه شما مسؤول حفظ آن چیز هستید که نگهبانی آن بر عهده شماست.

نظم و هماهنگی افراد و کارهای آنها است از بین نرود و به اعتدالی که از ترکیب آن افعال به وجود می آید اطلاع داشته باشد تا آنها را به کمالی که مقتضی نظام خانواده است برساند و اگر آفتی (مرضی) به وجود آید آن را از بین ببرد.

اگرچه خود مسکن اصل نیست، ولی بهتر است شرایطی نیز در انتخاب مسکن مورد توجه قرار گیرد مانند آنکه پایه‌های آن استوار باشد ارتفاع سقف‌ها زیاد و به صورتی ساخته شود که مناسب هر فصل باشد. ذخایر و اموال محفوظ باشد و مواردی که به دفع آفات تعلق دارد مانند سوختن، غرق، وجود خزنده و گزنده مورد توجه قرار گرفته باشد و به طور کلی در ساختن خانه به آنچه باعث آسایش و رفاه اهل خانواده می شود دقت گردد. یکی از موارد مهم همسایگان خانه هستند که باید توجه داشت به مجاورت اهل شر و فساد و کسانی که آزار دهنده هستند مبتلا نشویم و از آفت وحشت در امان باشیم.

افلاطون حکیم، منزل در کوی زرگران گرفته بوده از حکمت آن پرسیدند فرمود «تا اگر خواب بر چشم من غالب شود و از تفکر و مطالعه منع کند آواز ادوات ایشان مرا بیدار کند» و هو احکم و اعلم. و خداوند حکیم تر و داناتر است.

از موارد مهمی که در استحکام خانواده مؤثر است نقش مرد و زن و چگونگی ارتباط آنها در خانواده است. از مادران سؤال می شود نظر خود را در این ارتباط بیان کنند. نقش مردان در زندگی چیست؟ نقش زنان چیست؟ نحوه ارتباط آنها باید چگونه باشد؟ و... بعد از شنیدن پاسخ‌های آنها و گفت و شنود در این ارتباط بیان می شود که: زنان شریک مردان در مدیریت منزل هستند. روح و روان آنها باید در خدمت همسر و کسب رضایت آنها باشد. زنان باید اطلاع از اداره منزل و به امور مالی آگاه باشند و با داشتن صفاتی از قبیل خوشخویی، حسن خلق و حسن معاشرت انیس همسر و تسلی دهنده غم‌های او باشد.

زنان باید در آنچه برای اداره منزل مصلحت است و اقدام به آنچه مقتضی نظام معیشت است مشغول باشند و نظارت بر امور مهم داشته باشند. زیرا نفس و روان انسانی تعطیل بردار نیست و در نتیجه اگر او به کارهای مثبت مشغول نشود به کارهای منفی می پردازد و به طور کلی امور منزل مختل می شود و عاقبت آن اختلال معیشت؛ از بین رفتن مروت و جوانمردی و ایجاد بدبختی و هلاکت دوجوانی است.

زمانی که پیوند بین زن و شوهر انجام می‌گیرد، شوهران باید خود را در چشم زن باشکوه دارند. آنها باید همسر خود را به چیزهایی که مستعدی محبت است تکریم کنند. در اداره کارهای خانه با او مشورت کنند. آنچه لازمه همکاری و ابراز آن است به‌کار برند. باید دانست مرد در منزل مانند دل باشد در بدن چنانکه یک دل منبع حیات دو بدن نتواند بود، یک مرد را تنظیم دو منزل میسر نشود.

تکلیف

از مادران خواسته می‌شود نحوه مدیریت در خانواده خود را مورد بررسی قرار دهند و گزارش آن را ارائه دهند.

منابع

- بختیاری، مهتاب. (۱۳۷۵)، *تأثیر آموزش مادران بر برنامه‌ریزی خانواده‌های تک‌والدی*، رساله کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان، دانشکده تحصیلات تکمیلی.
- بوربور، جواد. (۱۳۷۵)، *بررسی تأثیر آموزش والدین بر تغییر رفتار آنان نسبت به فرزندان*، رساله کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان، دانشکده تحصیلات تکمیلی.
- ثمی، علی‌اکبر و سیدامین یزدی. (۱۳۸۵)، *مطالعه اثربخشی جلسات آموزش خانواده بر سلامت روانی، دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- سهرابی، فرامرز و اعظم حسینی. (۱۳۸۵)، «بررسی تأثیر شیوه فرزندپروری والدین بر رفتارهای ضداجتماعی دختران نوجوان شهر تهران»، *دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- شریف، م.م. (۱۳۶۲)، *تاریخ فلسفه در اسلام*، جلد اول، تهران، انتشارات نشر دانشگاهی.
- ضیائی، صدیقه و محبوبه دادفر. (۱۳۸۵)، «ارزیابی اثربخشی برنامه آموزش مهارت‌های زندگی به خانواده‌ها از طریق فرهنگسراها و مراکز فرهنگی منتخب شهر تهران»، *دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- خواجه نصیرالدین طوسی. (۱۳۷۳)، *اخلاق ناصری*، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، علیرضا حیدری، چاپ پنجم، تهران، انتشارات خوارزمی.

فرنهام، آدریان و مایکل آرگایل. (۱۳۸۴)، *روان‌شناسی پول*، ترجمه شهلا یاسائی، تهران، جوانه رشد. کلاتری، مهرداد. حسین مولوی. (۱۳۷۶)، «بررسی میزان تأثیر آموزش رفتاری والدین در کاهش مشکلات رفتاری بیرونی کودکان پیش‌دبستانی»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، جلد هشتم، شماره ۱ و ۲.

گلدنبرگ، ایرنه و هربرت گلدنبرگ. (۱۳۸۲)، *خانواده‌درمانی*، ترجمه حمیدرضا حسین شاهی برواتی، سیامک نقشبندی و الهام ارجمند، تهران، نشر روان.

گلستانی، سیدهاشم. (۱۳۶۸)، *فلسفه اسلامی*، چاپ اول، مؤسسه انتشاراتی مشعل. نقیب‌زاده، میرعبدالحسین. (۱۳۶۸)، *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، چاپ سوم، انتشارات طهوری.

Adkins, K. L. (2003). Predicting self-esteem based on perceived parental favoritism and birth order. Retrieved November 11, 2006, From http://submit.etsu.edu/etd/theses/available/etd-0326103-094946/unrestricted/Adkins_KD_40803_f.pdf.

Aktan, G. (1995). Organizational frame work for a substance use prevention program. *Int J. Journal of addictions*, 30, 185-201. Retrieved September 20, 2006, From http://www.strengthening_families.org/html/lit_review-1999-111.html.

Canter, K.A. (2002). Determining the effects on parental attitudes and parenting styles towards child rearing after participation in a rural parenting program. Retrieved September 18, 2006, From http://etd.wvu.edu/templates/show_ETD.cfm?Rechum=1486.

Dembo, M.H, Sweitzer. N. & Lauritzen. P. (1985). An evaluation of group parent education: Behavioral, pet, and adlerian programs. *Review of educational research*, 55, 2, 155-200. Abstract retrieved November 3, 2006. <http://links.jstor.org/sici?Sici>.

Doherty, W. (2006). The couple relationship: is it important to parenting. Retrieved February 2, 2006. From www.dsgon_line.com/mpg2,5/parent-training_prevention.htm

- Kumpfer, K.L., Talt, C.M. (2000). Family skills training for parents and children. Retrieved December 9, 2006. From <http://www.ncjrs.gov/pdf/files/ojjdp/180140.pdf>.
- Martinez, C.R. Eddy, J.M. (2005). Effects of culturally adapted parent management training on latino youth behavioral health out comes. *Journal of consulting and clinical psychology*. 73(4),841–851.
- McMahon, R.J. Wells, K.C. & Griest, D.L. (1981). Teaching parents to modify child behaviour problems. *Journal of pediatric psychology*. 6(3),313–322.
- Moore, K.A. Guzman. L. Hair, Elizabeth. Lippman, Laura & Garrett, Sarah. (2004). Parent-teen relationships and interactions. Retrieved February 2, 2006. From <http://www.childtrend.org>.
- Riley D. (n.d). Some principles for designing effective parenting education/ support programs. Retrieved November 20, 2006. From <http://familyimpactseminars.org/reports/fis3one.pdf>.
- Ryan, S. (n.d). Guidelines for changing attitudes. Retrieved December 10, 2006. From <http://coe.sd.su.edu/ect/articles/attitudechang/start.htm>.
- Tomison, A.M. (1998). Valuing parent education: a cornerstone of child abuse prevention. Retrieved December 10, 2006. From <http://aifs.org.au/nch/pubs/issues10/issnes10.html>.
- Webster Stratton, C. (1990). Long-term follow-up of families with young conduct problem children: from preschool to grade school: *journal of clinical child psychology*. 19(2),144–149.

تاریخ وصول: ۸۶/۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۸۷/۴/۳۱